

بسمه تعالی

جزوه احکام

جهت آزمون مرحله شهرستان

مسابقات فرهنگی هنری

پایه چهارم متوسطه دوم

دختران

مدیریت آموزش و پرورش چرداول

معاونت پرورشی و تربیت بدنی

کارشناس قرآن و عترت

مطهرات

۱۴۸ ده چیز، نجاست را پاک می‌کند و آنها را مطهرات گویند: اول: آب. دوم: زمین. سوم: آفتاب. چهارم: استحاله. پنجم: انتقال. ششم: اسلام. هفتم: تبعیت. هشتم: برطرف شدن عین نجاست. نهم: استبراء حیوان نجاستخوار. دهم: غایب شدن مسلمان. و احکام اینها بطور تفصیل در مسایل آینده گفته می‌شود.

۱- آب

۱۴۹ آب با چهار شرط، چیز نجس را پاک می‌کند: اول: آنکه مطلق باشد. پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید، چیز نجس را پاک نمی‌کند. دوم: آنکه پاک باشد. سوم: آنکه وقتی چیز نجس را می‌شویند آب مضاف نشود و بو یا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد. چهارم: آنکه بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد. و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کر، شرطهای دیگری هم دارد که بعدا گفته می‌شود.

۱۵۰ ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، بلکه در کر و جاری هم احتیاط سه مرتبه است، اگر چه ارجح در کر و جاری يك مرتبه است. ولی ظرفی که سگ لیسیده یا از آن ظرف آب یا چیز روان دیگر خورده، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد بنابر احتیاط واجب دو مرتبه در کر یا جاری یا با آب قلیل شست. و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته، بنابر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مال کرد.

۱۵۱ اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده، تنگ باشد و نشود آن را خاک مال کرد، چنانچه ممکن است باید کهنه به چوبی بیچند و به توسط آن خاک را به آن ظرف بمالند، و در غیر این صورت پاک شدن ظرف اشکال دارد.

۱۵۲ ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد، با قلیل باید هفت مرتبه شست، و در کر و جاری نیز هفت مرتبه باید شست به احتیاط واجب، و لازم نیست آن را خاک مال کنند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که خاک مال شود. و نیز لیسیدن خوک ملحق است به آب خوردن آن، به احتیاط واجب.

۱۵۳ اگر بخواهند ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشند، باید سه مرتبه بشویند، و بهتر است هفت مرتبه شسته شود.

۱۵۴ کوزه‌ای که از گل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته، اگر در آب کر یا جاری بگذارند، به هر جای آن که آب برسد پاک می‌شود. و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود باید به قدری در آب کر یا جاری بمالند که آب به تمام آن فرو رود، و فرو رفتن رطوبت کافی نیست.

۱۵۵ ظرف نجس را با آب قلیل، دو جور می‌شود آب کشید. یکی آنکه سه مرتبه پر کنند و خالی کنند، دیگر آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

۱۵۶ اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود، چنانچه سه مرتبه آن را از آب پر کنند و خالی کنند، پاک می‌شود. و همچنین است اگر سه مرتبه از بالا آب در آن بریزند، به طوری که تمام اطراف آن

را بگیرد و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می‌شود بیرون آورند، و احتیاط واجب آن است که در هر دفعه ظرفی را که با آن آنها را بیرون می‌آورند، آب بکشند.

۱۵۷ اگر مس نجس و مانند آن را آب کنند و آب بکشند، ظاهرش پاک می‌شود.

۱۵۸ تنوری که به بول نجس شده است، اگر دو مرتبه از بالا آب در آن بریزند، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد، پاک می‌شود. و در غیر بول اگر بعد از برطرف شدن نجاست یک مرتبه به دستوری که گفته شد، آب در آن بریزند، کافی است. و بهتر است که گودالی ته آن بکنند تا آنها در آن جمع شود و بیرون بیاورند، بعد آن گودال را با خاک پاک پر کنند.

۱۵۹ اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می‌شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.

۱۶۰ اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می‌شود. ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غسل آن بیرون آید. و غسل آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می‌شود خود به خود یا به وسیله فشار می‌ریزد.

۱۶۱ اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که غذا خور نشده، و شیر خوک نخورده نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می‌شود. ولی احتیاط مستحب فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.

۱۶۲ اگر چیزی به غیر بول نجس شود چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، پاک می‌گردد. و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می‌ریزند نجاست آن برطرف شود و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می‌شود، ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسل آن بیرون آید.

۱۶۳ اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده، در آب کر یا جاری فرو برند، بعد از برطرف شدن عین نجاست، پاک می‌شود.

۱۶۴ اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود، به فرو بردن در کر و جاری پاک می‌گردد. و اگر باطن آنها نجس شود، پاک نمی‌گردد.

۱۶۵ اگر انسان شك کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

۱۶۶ اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می‌شود و ظرف آن هم پاک می‌گردد. ولی اگر بخواهد لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد، در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند، آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند تا غسله‌ای که در آن جمع شده بیرون بریزد.

۱۶۷ لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده، اگر در آب کر یا جاری فرو برند و آب پیش از آنکه به واسطه رنگ پارچه مضاف شود به تمام آن برسد، آن لباس پاک می‌شود. اگر چه موقع فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون‌آید.

۱۶۸ اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند و بعد مثلاً لجن آب در آن ببینند، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده، آن لباس پاک است.

۱۶۹ اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن، خورده گل یا اشنان در آن دیده شود، در صورتی که بدانند که خورده گل یا اشنان با آب شسته شده، پاک است. ولی اگر آب نجس به باطن گل یا اشنان رسیده باشد، ظاهر گل و اشنان پاک و باطن آنها نجس است.

۱۷۰ هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند، پاک نمی‌شود، ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک می‌باشد. اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.

۱۷۱ اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند بدن پاک می‌شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.

۱۷۲ غذای نجسی که لای دندانها مانده اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد، پاک می‌شود.

۱۷۳ اگر موی سر و صورت زیاد باشد و با آب قلیل آب بکشند، باید فشار دهند که غساله آن جدا شود.

۱۷۴ اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آن جا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن، آن جا نجس می‌شود، در صورتی که آبی که برای پاک شدن محل نجس می‌ریزند به آن اطراف جاری شود با پاک شدن جای نجس پاک می‌شود. و همچنین است اگر چیز پاک را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس تمام انگشتها پاک می‌شود.

۱۷۵ گوشت و دنبه‌ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود. و همچنین است اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

۱۷۶ اگر ظرف یا بدن نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد.

۱۷۷ چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند، پاک می‌شود. و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن، زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد بویا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشد، با آب شیر پاک می‌گردد. اما اگر آبی که از آن می‌ریزد بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می‌شود بو یا رنگ یا مزه نجاست نباشد.

۱۷۸ اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شك کند که عین نجاست را از آن بر طرف کرده یا نه، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه برطرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است، و اگر متوجه بر طرف کردن عین نجاست نبوده، بنا بر احتیاط مستحب باید دوباره آن را آب بکشد.

۱۷۹ زمینی که آب روی آن جاری نمی‌شود اگر نجس شود با آب قلیل پاک نمی‌گردد. ولی زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد چون آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شده و در شن و ریگ فرو می‌رود با آب قلیل پاک می‌شود، اما زیر ریگها نجس می‌ماند.

۱۸۰ زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی‌رود، اگر نجس شود با آب قلیل پاک می‌گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود. و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند از سوراخی بیرون رود همه زمین پاک می‌شود، و اگر بیرون نرود جایی که آبها جمع می‌شود نجس می‌ماند، و برای پاک شدن آنجا باید گودالی بکنند که آب در آن جمع شود، بعد آب را بیرون بیاورند و گودال را با خاک پاک پر کنند.

۱۸۱ اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود، با آب کمتر از کر هم پاک می‌شود.

۱۸۲ اگر شکر آب شده نجس را قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند، پاک نمی‌شود.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

۳۱۶ برای شش چیز وضو گرفتن واجب است: اول: برای نمازهای واجب غیر از نماز میت. دوم: برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدثی از او سر زده مثلا بول کرده باشد. سوم: برای طواف واجب خانه کعبه. چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد. پنجم: اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند. ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست‌ها را جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند. ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن باشد، باید بدون این که وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد، و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کند.

۳۱۷ مس نمودن خط قرآن یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کند، مس آن اشکال ندارد.

۳۱۸ جلوگیری کردن بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست. ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنان جلوگیری کنند.

۳۱۹ کسی که وضو ندارد حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد، مس نماید. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مس اسم مبارك پیغمبر و امام و حضرت زهرا علیهم السلام.

۳۲۰ اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است. و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد، اشکال ندارد.

۳۲۱ کسی که یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است.

۳۲۲ مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام وضو بگیرد، و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو گرفتن مستحب است و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد. و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می‌تواند بجا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود.

۳۲۴ اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

۳۲۵ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است. ولی چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد. و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید و بنابر احتیاط مستحب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد. و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمم لازم نیست.

۳۲۶ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و بنابر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید بجای وضو تیمم کند و بهتر است يك وضو بدون مسح هم بگیرد.

۳۲۷ اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه بازکردن آن ممکن است و زحمت و مشقت هم ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها.

۳۲۸ اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد.

۳۲۹ اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد بدون زحمت و مشقت، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند، و اگر جبیره نجس است یا

نمی‌شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً دوایی است که به دست می‌چسبد، پارچه پاک‌ی را به طوری که جزء جبیره حساب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

۳۳۰ اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها فرا گرفته باشد باز احکام جبیره جاری و وضوی جبیره‌ای کافی است، ولی اگر معظم اعضای وضو را گرفته باشد، بنابر احتیاط، باید جمع نماید بین عمل جبیره و تیمم، اگر چه کفایت تیمم در این صورت بعید نیست.

۳۳۱ اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمم بنماید.

۳۳۲ کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

۳۳۳ اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.

۳۳۴ اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید. و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند. و در جاهایی که جبیره است باید بدستور جبیره عمل نماید.

۳۳۵ اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند، و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دست است اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاها است اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید.

۳۳۶ اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که وضوی جبیره‌ای هم بگیرد، ولی اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد چنانچه اطراف آن را بشوید کافی بودن بعید نیست، ولی احتیاط به تیمم ترك نشود.

۳۳۷ اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی‌تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد، اگر روی آن بسته است، باید به دستور جبیره عمل کند. و اگر معمولاً باز است شستن اطراف آن کافی است.

۳۳۸ اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند.

۳۳۹ غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آوردند نه ارتماسی.

۳۴۰ کسی که وظیفه او تیمم است، اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.

۳۴۱ کسی که باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بخواند چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف نمی‌شود، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند. ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود،

احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او برطرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره‌ای بجا آورد.

۳۴۲ اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جبیره‌ای انجام دهد، و احتیاط آن است که تیمم هم بنماید.

۳۴۳ کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را بجا آورد.

۳۴۴ نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده، صحیح است و بعد از آن که عذرش برطرف شد، برای نمازهای بعد هم نباید وضو بگیرد، ولی اگر برای آنکه نمی‌دانسته تکلیفش جبیره است یا تیمم هر دو را انجام داده باشد، باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

احکام غسل کردن

۳۷۲ در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست. و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد، کافی است.

۳۷۳ عرق جنب از حرام نجس نیست و کسی که از حرام جنب شده اگر با آب گرم هم غسل کند، صحیح است.

۳۷۴ اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی‌شود، مثل توی گوش و بینی، واجب نیست.

۳۷۵ جایی را که شك دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، شستن آن لازم نیست، ولی احتیاط در شستن است.

۳۷۶ اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن را شست و اگر دیده نشود شستن داخل آن لازم نیست.

۳۷۷ چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند. و اگر پیش از آن که یقین کند برطرف شده غسل نماید، غسل او باطل است.

۳۷۸ اگر موقع غسل شك کند، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد، در بدن او هست یا نه، چنانچه شكش منشا عقلایی داشته باشد، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

۳۷۹ در غسل باید موهای کوتاهی را که جزو بدن حساب می‌شود، بشوید و بنا بر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می‌باشد.

۳۸۰ تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید، و نیز در غسل ترتیبی، لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید،

اشکال ندارد. ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر به اندازه‌ای که غسل کند و نماز بخواند، بول و غائط از او بیرون نمی‌آید، چنانچه وقت تنگ باشد، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. و همچنین است حکم زن مستحاضه که بعداً گفته می‌شود.

۳۸۱ کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون اینکه بداند حمامی راضی است بخواند نسیه بگذارد، اگر چه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است.

۳۸۲ اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند ولی کسی که غسل می‌کند قصدش این باشد که طلب او را ندهد، یا از مال حرام بدهد، غسل او صحیح است.

۳۸۳ اگر بخواند پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد، غسل او باطل است.

۳۸۴ اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کند و پیش از غسل شك کند که چون در خزینه تطهیر کرده حمامی به غسل کردن او راضی است یا نه، غسل او باطل است، مگر اینکه پیش از غسل حمامی را راضی کند.

۳۸۵ اگر شك کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند. ولی اگر بعد از غسل شك کند که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید.

۳۸۶ اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند مثلاً بول کند، غسل باطل نمی‌شود.

۳۸۷ هرگاه به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند، اگر چه بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته، غسل او صحیح است.

۳۸۸ کسی که جنب شده اگر شك کند غسل کرده یا نه، نمازهایی را که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

۳۸۹ کسی که چند غسل بر او واجب است می‌تواند به نیت همه آنها يك غسل به جا آورد، یا آنها را جدا جدا انجام دهد.

۳۹۰ کسی که جنب است، اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، حرام است دست به آن نوشته بگذارد. و اگر بخواند غسل کند باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

۳۹۱ کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسلهای دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

احکام نماز میت

۵۹۴ نماز خواندن بر میت مسلمان، اگر چه بچه باشد، واجب است. ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد.

۵۹۵ نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود. و اگر پیش از اینها یا در بین اینها بخوانند، اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مساله باشد، کافی نیست.

۵۹۶ کسی که می‌خواهد نماز میت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک باشد. و اگر لباس او غصبی هم باشد، اشکال ندارد. اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کند.

۵۹۷ کسی که به میت نماز می‌خواند، باید رو به قبله باشد و نیز واجب است میت را مقابل او به پشت بخوابانند، به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او بطرف چپ نمازگزار باشد.

۵۹۸ مکان نمازگزار باید از جای میت پستی یا بلندتر نباشد. ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

۵۹۹ نمازگزار باید از میت دور نباشد. ولی کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند، اگر از میت دور باشد، چنانچه صفها به یکدیگر متصل باشد، اشکال ندارد.

۶۰۰ نمازگزار باید مقابل میت بایستد. ولی اگر نماز به جماعت خوانده شود و صف جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند، اشکال ندارد.

۶۰۱ بین میت و نمازگزار باید پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها نباشد ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد، اشکال ندارد.

۶۰۲ در وقت خواندن نماز، باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، باید عورتش را اگر چه با تخته و آجر و مانند اینها باشد بپوشانند.

۶۰۳ نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند. و در موقع نیت، میت را معین کند، مثلاً نیت کند نماز می‌خوانم بر این میت قربة الی الله.

۶۰۴ اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند، می‌شود نشسته بر او نماز خواند.

۶۰۵ اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بر ولی هم بنا بر احتیاط واجب، واجب است که اجازه بدهد.

۶۰۶ مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند، ولی اگر میت اهل علم و تقوی باشد مکروه نیست.

۶۰۷ اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجب است با شرطهایی که برای نماز میت گفته شد به قبرش نماز بخوانند.

۶۰۸ نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نماز گزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است: بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: "اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله". و بعد از تکبیر دوم بگوید: "اللهم صل علی محمد و آل محمد". و بعد از تکبیر سوم بگوید: "اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات". و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: "اللهم اغفر لهذا الميت" و اگر زن است بگوید: "اللهم اغفر لهذه الميت" و بعد از تکبیر پنجم را بگوید. و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید: "اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة". و بعد از

تکبیر دوم بگوید: "اللهم صل على محمد و آل محمد و بارک على محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صليت و بارکت و ترحمت و المرسلین و الشهداء و الصدیقین و جمیع عباد الله الصالحین". و بعد از تکبیر سوم بگوید: "اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک على کل شیء قدير". و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: "اللهم ان هذا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزل به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلى علیین و اخلف على اهله فی الغابین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین". و بعد از تکبیر پنجم را بگوید. ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید: "اللهم ان هذه امته و ابنة عبدک و ابنة امتک نزلت بک و انت خیر منزل به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا و انت اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد فی احسانها و ان كانت مسیئة فتجاوز عنها و اغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلى علیین و اخلف على اهلها فی الغابین و ارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین".

۶۰۹ باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود.

۶۱۰ کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند، باید تکبیرها و دعاها را هم بخواند.

دستور تیمم

۷۰۰ در تیمم چهار چیز واجب است: اول: نیت. دوم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی، و بنابر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

۷۰۱ تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند.

احکام تیمم

۷۰۲ اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند، تیمم باطل است، چه عمدا مسح نکند یا مساله را نداند یا فراموش کرده باشد. ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام

۷۰۳ برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتراز مچ را هم مسح نماید. ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

۷۰۴ پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.

۷۰۵ در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو. و اگر بدل از غسل باشد، باید آن غسل را معین نماید. و چنانچه اشتباها به جای بدل از وضو، بدل از غسل، یا به جای بدل از غسل، بدل از وضو، نیت کند یا مثلا در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید، تیمم او باطل است.

۷۰۶ در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد، و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، باید به همان کف دست نجس تیمم کند.

۷۰۷ انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد. و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها مانعی باشد، مثلا چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نماید.

۷۰۸ اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته، نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد. و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

۷۰۹ اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد، اشکال ندارد. ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد، باید آن را عقب بزند.

۷۱۰ اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دستها یا پشت دستها مانعی هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید جستجو نماید تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانعی نیست.

۷۱۱ اگر وظیفه او تیمم است و نمی‌تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد. و کسی که نایب می‌شود، باید او را با دست خود او تیمم دهد. و اگر ممکن نباشد، باید نایب دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد.

۷۱۲ اگر بعد از آنکه وارد تیمم شد شك کند که قسمت پیش از آن را فراموش کرده یا نه، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است. و نیز اگر بعد از به جا آوردن هر جزء شك کند که درست به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است.

۷۱۳ اگر بعد از مسح دست چپ شك کند که درست تیمم کرده یا نه، تیمم او صحیح است.

۷۱۴ کسی که وظیفه‌اش تیمم است، بنابر احتیاط واجب نباید پیش از وقت نماز برای تیمم کند. ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

۷۱۵ کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می‌ماند، در وسعت وقت می‌تواند با تیمم نماز بخواند. ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف می‌شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند یا در تنگی وقت با تیمم نماز را بجا آورد.

۷۱۶ کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، می‌تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند، هر چند احتمال بدهد که به زودی عذر او برطرف می‌شود. ولی در صورت علم به زوال عذر تا پیش از ضیق شدن وقت باید منتظر بماند.

۷۱۷ کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله‌های شبانه روز وقت معین دارد با تیمم بخواند، حتی در اول وقت. به شرط آنکه علم به زوال عذر تا آخر وقت نداشته باشد.

۷۱۸ کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره‌ای و تیمم نماید، مثلاً جراحی در پشت او است، اگر بعد از غسل و تیمم نماز بخواند و بعد از نماز حدث اصغری از او سرزند، مثلاً بول کند برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

۷۱۹ اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می‌شود.

۷۲۰ چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند. و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید، تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

۷۲۱ کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، احتیاطاً واجب آن است که بدل هر يك از آنها يك تیمم نماید.

۷۲۲ کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید. و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

۷۲۳ اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد. ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد. و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

۷۲۴ اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد. و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

۷۲۵ کسی که وظیفه‌اش آن است که بدل از وضو و بدل از غسل تیمم کند، همین دو تیمم کفایت می‌کند و تیمم دیگری لازم نیست.

۷۲۶ کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد، می‌تواند به جا آورد. ولی اگر با داشتن آب برای نماز میت یا خوابیدن تیمم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمم نموده می‌تواند انجام دهد. و در مورد تیمم به خاطر تنگی وقت، به احتیاط واجب سایر غایات را انجام ندهد.

۷۲۷ در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمم خوانده، دوباره بخواند: اول: آنکه از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است. دوم: آنکه می‌دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی‌کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است. سوم: آنکه تا آخر وقت عمداً در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می‌کرد، آب پیدا می‌شد. چهارم: آنکه عمداً نماز را تاخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است. پنجم: آنکه می‌دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی‌شود و آبی را که داشته ریخته است.

احکام وقت نماز

۷۲۸ موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

۷۴۳ ناپینا و کسی که در زندان است و مانند اینها بنا بر احتیاط واجب باید تا یقین به داخل شدن وقت نکنند، مشغول نماز نشوند. ولی اگر انسان به واسطه ابر یا غبار و مانند اینها که برای همه مانع از یقین کردن است، نتواند در اول وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، می‌تواند مشغول نماز شود.

۷۴۴ اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خیر دهند یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است. و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده. ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده، نماز او صحیح است.

۷۴۵ اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین به داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده، نماز او صحیح است. و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است، نمازش باطل است.

۷۴۶ اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شك کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است. ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شك کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

۷۴۷ اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید آن مستحب را به جا نیاورد. مثلا اگر به واسطه خواندن قنوت مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید قنوت نخواند.

۷۴۸ کسی که به اندازه خواندن يك رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند. ولی نباید عمدا نماز را تا این وقت تاخیر بیندازد.

۷۴۹ کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعدا نماز ظهر را قضا کند. و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعدا باید نماز مغرب را بخواند و به احتیاط واجب نیت ادا و قضا ننماید.

۷۵۰ کسی که مسافر است، اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عصر را بخواند و بعدا نماز ظهر را قضا کند. و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعدا مغرب را بدون نیت ادا و قضا بجا آورد. و چنانچه بعد از خواندن عشا معلوم شود که به مقدار يك رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا بجا آورد.

۷۵۱ مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند، و راجع به آن خیلی سفارش شده است. و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد، بهتر است. مگر آنکه تاخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلا صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۷۵۲ هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواند در اول وقت نماز بخواند، ناچار است با تیمم نماز بخواند، چنانچه بداند یا احتمال دهد که عذر او تا آخر وقت باقی است، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند. ولی اگر مثلا لباسش نجس باشد یا عذر دیگری داشته باشد و احتمال دهد که عذر او از بین می‌رود، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا عذرش برطرف شود. و چنانچه عذر او برطرف نشد، در آخر وقت نماز بخواند. و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد، می‌تواند تیمم کند و نماز را با آن مستحبات بجا آورد.

۷۵۳ کسی که مسایل نماز و شکایات و سهویات را نمیداند و احتمال میدهد که یکی از اینها در نماز پیش آید، باید برای یاد گرفتن اینها نماز را از اول وقت تاخیر بیندازد. ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می‌کند، می‌تواند در اول وقت مشغول نماز شود. پس اگر در نماز مساله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش نیاید، نماز او صحیح است. و اگر مساله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش آید، می‌تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مساله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

۷۵۴ اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می‌کند، در صورتی که ممکن است، باید اول قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند. و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید که باید اول مسجد را تطهیر کند، بعد نماز بخواند. و چنانچه اول نماز بخواند معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است.

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاك باشد

۸۴۸ در سه صورت که تفصیل آنها بعدا گفته می‌شود، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است: اول: آنکه به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد. دوم: آنکه بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم که تقریباً به اندازه يك اشرفی می‌شود، به خون آلوده باشد. سوم: آنکه ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند. و در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است: اول: آنکه لباسهای کوچک او مانند جوراب و عرقچین نجس باشد. دوم: آنکه لباس زنی که پرستار بچه است، نجس شده باشد. و احکام این پنج صورت مفصلاً در مسائل بعد گفته می‌شود.

۸۴۹ اگر در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند. و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوايي که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده، در بدن یا لباس او باشد.

۸۵۰ اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است، در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

۸۵۱ اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می‌شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

۸۵۲ اگر از توی دهان و بینی و مانند اینهاست خونی به بدن یا لباس برسد احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند ولی با خون بواسیر میشود نماز خواند اگر چه دانه‌هایش در داخل باشد.

۸۵۳ کسی که بدنش زخم است اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر با آن نماز خواندن مانعی ندارد.

۸۵۴ اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که يك زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام يك زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، باید برای نماز بدن و لباس را از خون آن، آب بکشد.

۸۵۵ اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است، و بنابر احتیاط واجب باید خون استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار نباشد. ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت، و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت، اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد، در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد که تقریباً به اندازه يك اشرفی می‌شود نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی احتیاط مستحب آن است که از خون سگ و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت، اجتناب کند.

۸۵۶ خونی که به لباس بی‌آستر بریزد و به پشت آن برسد، يك خون حساب می‌شود. ولی اگر پشت آن، جدا خونی شود، بنابر احتیاط واجب باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است، روی هم کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن نماز باطل است.

۸۵۷ اگر خون روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد، و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خون روی لباس و آستر کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن باطل است.

۸۵۸ اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد، در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده، به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است. بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد. ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و از بین برود، نماز صحیح است.

۸۵۹ اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود، اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی‌شود با آن، نماز خواند.

۸۶۰ اگر خونی که در بدن یا لباس است، کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد، مثلاً يك قطره بول روی آن بریزد، نماز خواندن با آن جایز نیست.

۸۶۱ اگر لباسهای کوچک نمازگزار مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را پوشانده نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد، نماز با آنها صحیح است. و نیز اگر با انگشتری نجس نماز بخواند، اشکال ندارد.

۸۶۲ احتیاط آن است که چیز نجسی که با آن می‌شود عورت را پوشاند، همراه نمازگزار نباشد. ولی کسی که این مساله را نمی‌دانسته و مثلاً مدتی با این طور نماز خوانده، لازم نیست آن نمازها را قضا کند.

۸۶۳ زنی که پرستار بچه است و بیشتر از يك لباس ندارد هرگاه شبانه روزی يك مرتبه لباس خود را آب بکشد اگرچه تا روز دیگر لباسش به بول بچه نجس شود می‌تواند با آن لباس نماز بخواند ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را در شبانه روز يك مرتبه برای اولین نمازی که لباسش پیش از آن نجس شده آب بکشد و نیز اگر بیشتر از يك لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد چنانچه شبانه روزی يك مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد کافی است.

چیزهایی که سجده بر آن صحیح است

۱۰۷۶ باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید مانند چوب و برگ رخت‌سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست و نیز سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است، اما سجده کردن بر سنگهای معدنی مانند سنگ مرمر و سنگهای سیاه اشکال ندارد.

۱۰۷۷ احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو اگر تازه باشد سجده نکنند.

۱۰۷۸ سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است مثل علف و گاه صحیح است.

۱۰۷۹ سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید مانند گل بنفشه و گل گاو زبان صحیح نیست.

۱۰۸۰ سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس صحیح نیست.

۱۰۸۱ سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شود سجده کرد.

۱۰۸۲ اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از گاه ساخته باشند می‌شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد.

۱۰۸۳ برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ، و بعد از سنگ گیاه است.

۱۰۸۴ اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد یا اگر دارد بواسطه سرما یا گرمای زیاد و مانند اینها نمی‌تواند بر آن سجده کند باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است سجده کند و اگر از چیز دیگر است بر همان چیز سجده کند و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست و چنانچه آنها ممکن نباشد به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

۱۰۸۵ سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی‌گیرد اگر بعد از آن که مقداری فرو رفت آرام بگیرد اشکال ندارد.

۱۰۸۶ اگر در سجده اول مهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد دوباره به سجده برود اشکال دارد ، بلکه نماز باطل است و باید اعاده کند.

۱۰۸۷ اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد چنانچه وقت وسعت دارد باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر از چیز دیگری است بر همان چیز و اگر آنهم ممکن نیست بر پشت دست و اگر آن هم نمی‌شود به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

۱۰۸۸ هرگاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است اگر ممکن باشد باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر وقت تنگ است به دستوری که در مساله پیش گفته شد عمل کند.

۱۰۸۹ اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است اشکال ندارد.

۱۰۹۰ سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می‌باشد و بعضی از مردم عوام که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می‌گذارند اگر برای شکر خداوند متعال باشد اشکال ندارد و گرنه حرام است.

سجده واجب قرآن

۱۰۹۳ در هر يك از چهار سوره: «و النجم، اقرا، الم تنزیل و حم سجده» يك آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا گوش به آن دهد بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

۱۰۹۴ اگر انسان موقعی که آیه سجده را می‌خواند از دیگری هم بشنود چنانچه گوش داده دو سجده نماید و اگر به گوشش خورده يك سجده کافی است.

۱۰۹۵ در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

۱۰۹۶ اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد بشنود، یا از مثل گرامافون آیه سجده را بشنود، لازم نیست سجده نماید. ولی اگر از آلتی که صدای خود انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.

۱۰۹۷ در سجده واجب قرآن نمی‌شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد ولی سایر شرایط سجده را که در نماز است لازم نیست مراعات کنند.

۱۰۹۸ در سجده واجب قرآن باید طوری عمل کند که بگویند سجده کرد.

۱۰۹۹ هرگاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگر چه ذکر نگوید کافی است، و گفتن ذکر مستحب است. و بهتر است بگوید: «لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ايمانا و تصديقا لا اله الا الله عبودية و رقا سجدت لك يا رب تعبدا و رقا لا مستنكفا و لا مستكبيرا بل انا عبد ذليل ضعيف خائف مستجير».

صلوات بر پیغمبر

۱۱۲۴ هر وقت انسان اسم مبارك حضرت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مانند محمد و احمد يا لقب و كنيه آن جناب را مثل مصطفى و ابوالقاسم بگويد يا بشنود اگر چه در نماز باشد، مستحب است صلوات بفرستد.

۱۱۲۵ موقع نوشتن اسم مبارك حضرت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مستحب است صلوات را هم بنويسد. و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می‌کند صلوات بفرستد.

مبطلات نماز

۱۱۲۶ دوازده چیز نماز را باطل می‌کند و آنها را مبطلات می‌گویند: اول : آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود مثلا در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است. دوم: آنکه در بین نماز عمدا یا سهوا یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلا بول از او بیرون آید. ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر چه در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود. و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.

۱۱۲۷ کسی که بی‌اختیار خوابش برده اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند ولی اگر تمام شدن نماز را بداند و شك کند که خواب در بین نماز بوده یا بعد نمازش صحیح است.

۱۱۲۸ اگر بداند به اختیار خودش خوابیده و شك کند که بعد از نماز بوده یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده نمازش صحیح است.

۱۱۲۹ اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شك کند که در سجده آخر نماز است یا در سجده شکر باید آن نماز را دوباره بخواند.

سوم: از مبطلات نماز آن است که مثل بعض کسانی که شیعه نیستند دستها را روی هم بگذارند.

۱۱۳۰ هرگاه برای ادب دستها را روی هم بگذارد اگرچه مثل آنها نباشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دستها را روی هم بگذارد اشکال ندارد.

چهارم: از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد آمین بگوید ولی اگر اشتباها از روی تقیه بگوید، اشکال ندارد.

پنجم: از مبطلات نماز آن است که عمدا یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمدا بقدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

۱۱۳۱ اگر عمدا همه صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند نمازش باطل است، بلکه اگر سهوا هم صورت را به این مقدار برگرداند احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و لازم نیست که نماز اول را تمام نماید، ولی اگر سر را کمی برگرداند عمدا باشد یا اشتباها نمازش باطل نمی‌شود.

ششم: از مبطلات نماز آن است که عمدا کلمه‌ای بگوید که از آن کلمه قصد معنی کند، اگر چه معنی هم نداشته باشد و يك حرف هم باشد، بلکه اگر قصد هم نکند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند در صورتی که دو حرف یا بیشتر باشد. ولی اگر سهوا بگوید، نماز باطل نمی‌شود.

۱۱۳۲ اگر کلمه‌ای بگوید که يك حرف دارد چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد مثل (ق) که در زبان عرب به معنای این است که «نگهداری کن» چنانچه معنی آن را بداند و قصد آن را نماید نمازش باطل می‌شود، بلکه اگر قصد معنای آن را نکند ولی ملتفت معنای آن باشد احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

۱۱۳۳ سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.

۱۱۳۴ اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید، مثلا به قصد ذکر بگوید: «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد نماز باطل می‌شود.

۱۱۳۵ خواندن قرآن در نماز غیر از چهار سوره‌ای که سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد اگر چه به فارسی یا زبان دیگر باشد.

۱۱۳۶ اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمدا یا احتیاطا چند مرتبه بگوید اشکال ندارد.

۱۱۳۷ در حال نماز انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد مثلا بگوید: «السلام علیکم» یا «سلام علیکم» و نباید «علیکم السلام» بگوید.

۱۱۳۸ انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر عمدا یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد جواب دادن واجب نیست.

۱۱۳۹ باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کر باشد چنانچه انسان بطور معمول جواب او را بدهد کافی است.

۱۱۴۰ نمازگزار جواب سلام را به قصد جواب بگوید نه به قصد دعا.

۱۱۴۱ اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نمازگزار سلام کند نمازگزار باید جواب او را بدهد.

۱۱۴۲ اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد معصیت کرده، ولی نمازش صحیح است.

۱۱۴۳ اگر کسی به نمازگزار غلط سلام کند به طوری که سلام حساب نشود جواب او واجب نیست.

۱۱۴۴ جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می‌کند واجب نیست و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان بگوید: «سلام» یا فقط «علیک».

۱۱۴۵ است، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.

۱۱۴۶ اگر کسی به عده‌ای سلام کند و کسی که سلام کننده قصد سلام دادن به او را نداشته، جواب دهد باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است.

۱۱۴۷ اگر به عده‌ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شك کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه نباید جواب بدهد و همچنین است اگر بداند قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد، اما اگر بداند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد باید جواب او را بگوید.

۱۱۴۸ سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

۱۱۴۹ اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند بر هر يك واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

۱۱۵۰ در غیر نماز مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید مثلا اگر کسی گفت: «سلام علیکم» در جواب بگوید: «سلام علیکم و رحمة الله».

هفتم: از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است و چنانچه سهوا هم با صدا بخندد یا عمدا لبخند بزند نمازش باطل نمی‌شود.

۱۱۵۱ اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند مثلا رنگش سرخ شود چنانچه از صورت نمازگزار بیرون رود باید نمازش را دوباره بخواند.

هشتم: از مبطلات نماز آن است که برای کار دنیا عملا با صدا گریه کند ولی اگر برای کار دنیایی بی صدا گریه کند اشکال ندارد ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

نهم: از مبطلات نماز کاری است که صورت نماز را به هم بزند مثل دست زدن و به هوا پريدن و مانند اینها کم باشد یا زیاد عمدا باشد یا از روی فراموشی ولی کاری که صورت نماز را به هم نزنند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

۱۱۵۲ اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند نمازش باطل می‌شود.

۱۱۵۳ اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت‌شود و شك کند که نماز به هم خورده یا نه، نمازش صحیح است. دهم: از مبطلات نماز خوردن و آشامیدن است، اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند.

۱۱۵۴ احتیاط واجب آن است که در نماز هیچ چیز نخورد و نیاشامد چه موالات نماز به هم بخورد یا نخورد و چه بگویند نماز می‌خواند یا نگویند.

۱۱۵۵ اگر در بین نماز غذایی را که لای دندانها مانده فرو ببرد نمازش باطل نمی‌شود و اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می‌کند. یازدهم: از مبطلات نماز شك در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است. دوازدهم: از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمدا یا سهوا کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمدا کم یا زیاد نماید.

۱۱۵۶ اگر بعد از نماز شك کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

شکهای باطل

۱۱۶۵ شکهایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است: اول: شك در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شك در شماره رکعتهای نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز را باطل نمی‌کند. دوم: شك در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی. سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی شك کند که يك رکعت خوانده یا بیشتر. چهارم: آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم شك کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر. (تفصیل این مساله در صورت چهارم مساله ۱۱۹۹ بیان شده است، مراجعه شود. پنجم: شك بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج. ششم: شك بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش. هفتم: شك در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است. هشتم: شك بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا بعد از آن. ولی اگر بعد از سجده دوم شك بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش برای او پیش آید احتیاط مستحب آن است که بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

۱۱۶۶ اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید نمی‌تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر به قدری فکر کند که شك پا برجا شود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

۱۱۶۷ شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است: اول: شك در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است، مثل آنکه در رکوع شك کند که حمد را خوانده یا نه. دوم: شك بعد از سلام نماز. سوم: شك بعد از گذشتن وقت نماز. چهارم: شك کثیرالشك، یعنی کسی که زیاد شك می‌کند. پنجم: شك امام در شماره رکعتهای نماز در صورتی که ماموم شماره آنها را بداند و همچنین شك ماموم در صورتی که امام شماره رکعتهای نماز را بداند. ششم: شك در نماز مستحبی.

۱- شك در چیزی که محل آن گذشته است

۱۱۶۸ اگر در بین نماز شك کند که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه مثلا شك کند که حمد خوانده یا نه چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده باید آنچه را که در انجام آن شك کرده بجا آورده و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد شده به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۶۹ اگر در بین خواندن آیه‌ای شك کند که آیه پیش را خوانده یا نه، یا وقتی آخر آیه را می‌خواند شك کند که اول آن را خوانده یا نه باید به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۷۰ اگر بعد از رکوع یا سجود شك کند که کارهای واجب آن مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده یا نه باید به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۷۱ اگر در حالی که به سجده می‌رود شك کند که رکوع کرده یا نه یا شك کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۷۲ اگر در حال برخاستن شك کند که تشهد را بجا آورده یا نه باید اعتنا نکند، ولی اگر شك کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد.

۱۱۷۳ کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اگر موقعی که حمد یا تسبیحات می‌خواند شك کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر پیش از آن که مشغول حمد یا تسبیحات شود شك کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد.

۱۱۷۴ اگر شك کند که یکی از رکنهای نماز را بجا آورد یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده باید آن را بجا آورد، مثلا اگر پیش از خواندن تشهد شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را بجا آورده بوده چون رکن زیاد شده نمازش باطل است.

۱۱۷۵ اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده باید آن را بجا آورد، مثلا اگر پیش از خواندن سوره شك کند که حمد را خوانده یا نه باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را بجا آورده بوده چون رکن زیاد نشده نماز صحیح است.

۱۱۷۶ اگر شك کند که رکنی را بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول تشهد است اگر شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را بجا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است مثلا اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را بجا نیاورده باید بجا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید نمازش باطل است.

۱۱۷۷ اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده باید به شك خود اعتنا نکند، مثلا موقعی که مشغول خواندن سوره است اگر شك کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است، بنابراین اگر مثلا در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

۱۱۷۸ اگر شك کند که سلام نماز را گفته یا نه یا شك کند درست گفته یا نه، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده، یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می‌زند از حال نمازگزار بیرون رفته باید به شك خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینها شك کند باید سلام را بگوید، اما اگر در صحیح گفتن سلام شك کند در هر صورت باید به شك خود اعتنا ننماید چه مشغول کارد یگر شده باشد یا نه.

۲ - شك بعد از سلام

۱۱۷۹ اگر بعد از سلام نماز شك کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلا شك کند رکوع کرده یا نه یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر

هر دو طرف شك او باطل باشد، مثلا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

شك بعد از وقت

۱۱۸۰ اگر بعد از گذشتن وقت نماز شك کند که نماز خوانده یا نه یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست ولی اگر پیش از گذشتن وقت شك کند که نماز خوانده یا نه یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند، بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را بجا آورد.

۱۱۸۱ اگر بعد از گذشتن وقت شك کند که نماز را درست خوانده یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۸۲ اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز خوانده ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند.

۱۱۸۳ اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا بداند يك نماز خوانده ولی نداند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی باید قضا نماز مغرب و عشا را بخواند.

۴ - كثیر الشك (كسی که زیاد شك می کند)

۱۱۸۴ اگر کسی در يك نماز سه مرتبه شك کند یا در سه نماز پشت سر هم مثلا در نماز صبح و ظهر و عصر شك کند، كثیرالشك است و چنانچه زیاد شك کردن اواز غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۸۵ كثیرالشك اگر در بجا آوردن چیزی شك کند چنانچه بجا آوردن آن نماز را باطل نمی کند باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده، مثلا اگر شك کند که رکوع کرده یا نه باید بنا بگذارد که رکوع کرده است و اگر بجا آوردن آن نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده، مثلا اگر شك کند که يك رکوع کرده یا بیشتر چون زیاد شدن رکوع نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که بیشتر از يك رکوع نکرده است.

۱۱۸۶ کسی که در يك چیز نماز زیاد شك می کند چنانچه در چیزهای دیگر نماز شك کند باید به دستور آن عمل نماید، مثلا کسی که زیاد شك می کند سجده کرده یا نه، اگر در بجا آوردن رکوع شك کند باید به دستور آن رفتار نماید یعنی اگر ایستاده، رکوع را بجا آورد و اگر به سجده رفته، اعتنا نکند.

۱۱۸۷ کسی که در نماز مخصوصی مثلا در نماز ظهر زیاد شك می کند اگر در نماز دیگر مثلا در نماز عصر شك کند باید به دستور شك رفتار نماید.

۱۱۸۸ کسی که وقتی در جای مخصوصی نماز می خواند زیاد شك می کند اگر در غیر آن جا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید به دستور شك عمل نماید.

۱۱۸۹ اگر انسان شك کند که كثیرالشك شده یا نه، باید به دستور شك عمل نماید و كثیرالشك تا وقتی یقین نکند که به حال معمولی مردم برگشته باید به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۹۰ کسی که زیاد شك می کند اگر شك کند رکنی را بجا آورده یا نه و اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده چنانچه مشغول رکن بعد نشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش

باطل است، مثلا اگر شك کند رکوع کرده یا نه و اعتنا نکند چنانچه پیش از سجده یادش بیاید که رکوع نکرده باید رکوع کند و اگر در سجده یادش بیاید نمازش باطل است.

۱۱۹۱ کسی که زیاد شك می‌کند اگر شك کند چیزی را که رکن نیست بجا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده چنانچه از محل بجا آوردن آن نگذشته باید آن را بجا آورد و اگر از محل آن گذشته نمازش صحیح است، مثلا اگر شك کند که حمد خوانده یا نه و اعتنا نکند چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

۵- شك امام و ماموم

۱۱۹۲ اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز شك کند، مثلا شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت چنانچه ماموم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و ماموم در شماره رکعت‌های نماز شك کند باید به شك خود اعتنا ننماید.

۶- شك در نماز مستحبی

۱۱۹۳ اگر در شماره رکعت‌های نماز مستحبی شك کند چنانچه طرف بیشتر شك نماز را باطل می‌کند باید بنا را بر کمتر بگذارد، مثلا اگر در نافله صبح شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شك نماز را باطل نمی‌کند، مثلا شك کند که دو رکعت خوانده یا يك رکعت، به هر طرف شك عمل کند نمازش صحیح است.

۱۱۹۴ کم شدن رکن نافله را باطل می‌کند بنا بر احتیاط واجب، ولی زیاد شدن رکن آن را باطل نمی‌کند، پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را بجا آورد، مثلا اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده باید برگردد و سوره را بخواند و دوباره به رکوع رود.

۱۱۹۵ اگر در یکی از کارهای نافله شك کند خواه رکن باشد یا غیر رکن چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورد و اگر محل آن گذشته به شك خود اعتنا نکند.

۱۱۹۶ اگر در نماز مستحبی دو رکعتی گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود یا گمانش به دو رکعت یا کمتر برود باید به همان گمان عمل کند، مگر آن که موجب بطلان باشد که در این صورت گمان، حکم شك را دارد، مثلا اگر گمانش به يك رکعت می‌رود احتیاطا باید يك رکعت دیگر بخواند.

۱۱۹۷ اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می‌شود یا يك سجده یا تشهد را فراموش نماید لازم نیست بعد از نماز سجده سهو یا قضای سجده و تشهد را بجا آورد.

۱۱۹۸ اگر شك کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار وقت معین نداشته باشد بنا بگذارد که نخوانده است و همچنین است اگر مثل نافله یومیه وقت معین داشته باشد و پیش از گذشتن وقت شك کند که آن را بجا آورده یا نه، ولی اگر بعد از گذشت وقت شك کند که خوانده است یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

شکهای صحیح

۱۱۹۹ در نه صورت اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شك کند باید فکر نماید، پس اگر یقین یا گمان به يك طرف شك پیدا کرد همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهایی که گفته می‌شود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است: اول: آنکه بعد از سر برداشتن از سجده دوم شك کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و يك رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به دستوری که بعد گفته می‌شود بجا آورد. دوم: شك بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم، که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند. سوم: شك بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم یکی از این سه شك برایش پیش آید می‌تواند نماز را رها کند و دوباره بخواند. چهارم: شك بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم، این شك، برای او پیش آید، بنا بر احتیاط استحبابی به دستوری که گفته شد عمل کند اگر چه نمازش باطل است و باید دوباره بخواند. پنجم: شك بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد. ششم: شك بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد. هفتم: شك بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد. هشتم: شك بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد. نهم: شك بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد.

۱۲۰۰ اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مثل رو گرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دومش هم باطل است. و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مشغول نماز شود نماز دومش صحیح است.

۱۲۰۱ اگر یکی از شکهایی که نماز احتیاط بر آنها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون خواندن نماز احتیاط، نماز را از سر بگیرد، معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند نماز را از سر گرفته، نماز دومش هم باطل است، و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مشغول نماز شده، نماز دومش صحیح است.

۱۲۰۲ وقتی یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید، چنانکه گفته شد باید فکر کند، ولی اگر چیزهایی که به واسطه آنها ممکن است یقین یا گمان به يك طرف شك پیدا شود از بین نمی‌رود، چنانچه کمی بعد فکر کند، اشکال ندارد، مثلاً اگر در سجده شك کند می‌تواند تا بعد از سجده فکر کردن را تاخیر بیندازد.

۱۲۰۳ اگر اول گمانش به يك طرف بیشتر باشد، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود باید به دستور شك عمل نماید، و اگر اول دو طرف در نظر او مساوی باشد و به طرفی که وظیفه او است بنا بگذارد، بعد گمانش به طرف دیگر برود باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند.

۱۲۰۴ کسی که نمی‌داند گمانش به يك طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است، باید احتیاط کند و در هر مورد، احتیاط بطور مخصوصی است که در کتابهای مفصل گفته شده است.

۱۲۰۵ اگر بعد از نماز بداند که در بین نماز حال تردیدی داشته که مثلا دو رکعت خوانده یا سه رکعت و بنا بر سه گذاشته، ولی نداند که گمانش به خواندن سه رکعت بوده یا هر دو طرف در نظر او مساوی بوده، به احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند.

۱۲۰۶ اگر موقعی که تشهد می‌خواند یا بعد از ایستادن شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شکهایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح می‌باشد برای او پیش آید، مثلا شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، به احتیاط واجب باید به دستور آن شك عمل کند و نمازش را هم دوباره بخواند.

۱۲۰۷ اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود یا در رکعتی که تشهد ندارد پیش از ایستادن شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، و در همان موقع یکی از شکهایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است برایش پیش آید، نمازش باطل است.

۱۲۰۸ اگر موقعی که ایستاده، بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شك کند و یادش بیاید که دو سجده یا يك سجده از رکعت پیش بجا نیاورده، نمازش باطل است.

۱۲۰۹ اگر شك او از بین برود و شك دیگری برایش پیش آید، مثلا اول شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید به دستور شك دوم عمل نماید.

۱۲۱۰ اگر بعد از نماز شك کند که در نماز مثلا بین دو و چهار شك کرده یا بین سه و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

۱۲۱۱ اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده ولی نداند از شکهای باطل بوده یا از شکهای صحیح و اگر از شکهای صحیح بوده کدام قسم آن بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید به دستور شکهایی که صحیح بوده و احتمال می‌داده عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

۱۲۱۲ کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی کند که باید برای آن، يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت نشسته به جا آورد، بلکه اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، باید دو رکعت نشسته بجا آورد.

۱۲۱۳ کسی که ایستاده نماز می‌خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می‌خواند و حکم آن در مساله پیش گفته شد نماز احتیاط را بجا آورد.

۱۲۱۴ کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد، باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می‌خواند عمل کند.

نماز احتیاط

۱۲۱۵ کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر يك رکعت نماز احتیاط بر او واجب است،

بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده يك رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

۱۲۱۶ نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد و باید نیت آن را به زبان نیاورد، و احتیاط واجب آن است که سوره حمد و "بسم الله" آن را هم آهسته بگوید.

۱۲۱۷ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد نمازی که خوانده درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند، و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آن را تمام نماید.

۱۲۱۸ اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعت‌های نمازش کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید آنچه از نماز را که نخوانده بخواند و برای سلام بیجا دو سجده سهو نماید، و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره بجا آورد.

۱۲۱۹ اگر بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شك بین سه و چهار يك رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

۱۲۲۰ اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شك بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، باید کسری نماز را به نماز متصل نموده و نماز را هم دوباره بخواند.

۱۲۲۱ اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شك بین سه و چهار يك رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را دو رکعت خوانده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید دو رکعت کسری نمازش را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

۱۲۲۲ اگر بین دو و سه و چهار شك کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، لازم نیست دو رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند.

۱۲۲۳ اگر بین سه و چهار شك کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا يك رکعت ایستاده را می‌خواند یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز احتیاط را تمام کند و نمازش صحیح است.

۱۲۲۴ اگر بین دو و سه و چهار شك کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می‌خواند پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده باید بنشیند و نماز احتیاط را يك رکعتی تمام کند و بنا بر احتیاط مستحب نماز را دوباره بخواند.

۱۲۲۵ اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده، چنانچه نتواند نماز احتیاط را مطابق کسری نمازش تمام کند باید آن را رها کند و کسری نماز را بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند مثلاً در شك بین سه و چهار اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته را می‌خواند یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، چون نمی‌تواند دو رکعت نشسته را به جای دو رکعت ایستاده حساب کند به احتیاط واجب باید نماز احتیاط نشسته را رها کند و دو رکعت کسری نمازش را بخواند و نماز را هم دوباره بجا آورد.

۱۲۲۶ اگر شك كند نماز احتیاطی را که به او واجب بوده بجا آورده یا نه چنانچه وقت نماز گذشته به شك خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز برنخاسته و کاری هم مثل رو گرداندن از قبله که نماز را باطل می‌کند انجام نداده باید نماز احتیاط را بخواند و اگر مشغول کار دیگری شده یا کاری که نماز را باطل می‌کند بجا آورده یا بین نماز و شك او زیاد طول کشیده احتیاط استحبابی آن است که نماز احتیاط را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند اگر چه می‌تواند بنا بر انجام نماز احتیاط گذارد و بر همان اکتفا نماید.

۱۲۲۷ اگر در نماز احتیاط رکنی را زیاد کند یا مثلا به جای يك رکعت دو رکعت بخواند نماز احتیاط باطل می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نماز احتیاط، و اصل نماز را بخواند.

۱۲۲۸ موقعی که مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از کارهای آن شك کند چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورد و اگر مجلس گذشته باید به شك خود اعتنا نکند مثلا اگر شك کند که حمد خوانده یا نه چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند و اگر به رکوع رفته باید به شك خود اعتنا نکند.

۱۲۲۹ اگر در شماره رکعت‌های نماز احتیاط شك کند ، باید بنا را بر بیشتر بگذارد ولی چنانچه طرف بیشتر شك نماز را باطل می‌کند بنا بر کمتر گذارد و احتیاط مستحب آن است که نماز احتیاط را دوباره بخواند و بعد از آن اصل نماز را اعاده نماید.

۱۲۳۰ اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهوا کم یا زیاد شود سجده سهو ندارد .

۱۲۳۱ اگر بعد از سلام نماز احتیاط شك کند که یکی از اجزاء یا شرایط آن را بجا آورده یا نه به شك خود اعتنا نکند.

۱۲۳۲ اگر در نماز احتیاط تشهد یا يك سجده را فراموش کند احتیاط آن است که بعد از سلام آن را قضا نماید اگر چه واجب نیست.

۱۲۳۳ اگر نماز احتیاط و قضای يك سجده یا قضای يك تشهد یا دو سجده بر او واجب شود باید اول نماز احتیاط را بجا آورد.

۱۲۳۴ حکم گمان در رکعت‌های نماز حکم یقین است، مثلا اگر در نماز چهار رکعتی انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده نباید نماز احتیاط بخواند ولی اگر در غیر رکعت‌ها گمان پیدا کند باید به احتیاط عمل نماید و دستور در هر موردی طور مخصوصی است که در کتابهای مفصل گفته شده است.

۱۲۳۵ حکم شك و سهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر فرق ندارد، مثلا اگر در نماز آیات شك کند که يك رکعت خوانده یا دو رکعت، چون شك او در نماز دو رکعتی است، نمازش باطل می‌شود.

سجده سهو

۱۲۳۶ برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعدا گفته می‌شود بجا آورد: اول: آنکه در بین نماز، سهوا حرف بزند. دوم: آنکه يك سجده را فراموش کند. سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت. و در دو مورد هم

احتیاط واجب آن است که سجده سهو بنماید: اول: در جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلا در رکعت اول سهوا سلام بدهد. دوم: آنکه تشهد را فراموش کند.

۱۲۳۷ اگر انسان اشتباهها یا به خیال این که نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو بجا آورد.

۱۲۳۸ برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می‌شود، سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلا سهوا آه یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید.

۱۲۳۹ اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند برای دوباره خواندن آن سجده سهو واجب نیست.

۱۲۴۰ اگر در نماز سهوا مدتی حرف بزند و تمام آنها يك مرتبه حساب شود، دو سجده سهو بعد از سلام نماز کافی است.

۱۲۴۱ اگر سهوا تسیحات اربعه را نگوید یا بیشتر یا کمتر از سه مرتبه بگوید احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۱۲۴۲ اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید سهوا بگوید: "السلام علينا و علی عباد الله الصالحین" یا بگوید: "السلام علیکم و رحمة الله و برکاته" باید دو سجده سهو بنماید، ولی اگر اشتباهها مقداری از این دو سلام را بگوید، یا بگوید: "السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و برکاته" احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو بجا آورد.

۱۲۴۳ اگر در جایی که نباید سلام دهد اشتباهها هر سه سلام را بگوید دو سجده سهو کافی است.

۱۲۴۴ اگر يك سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید باید برگردد و بجا آورد.

۱۲۴۵ اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که يك سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجده سهو بجا آورد.

۱۲۴۶ اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمدا بجا نیاورد معصیت کرده و واجب است هر چه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهوا بجا نیاورد هر وقت یادش آمد باید فوراً انجام دهد و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

۱۲۴۷ اگر شك دارد که سجده سهو بر او واجب شده یا نه لازم نیست بجا آورد.

۱۲۴۸ کسی که شك دارد مثلا دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار تا، اگر دو سجده بنماید کافی است.

۱۲۴۹ اگر بداند یکی از دو سجده سهو را بجا نیاورده باید دو سجده سهو بجا آورد و اگر بداند سهوا سه سجده کرده ، باید دوباره دو سجده سهو بنماید.

دستور سجده سهو

۱۲۵۰ دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگوید: «بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله» یا «بسم الله و بالله اللهم صلی علی محمد و آل محمد» ولی بهتر است بگوید «بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

۱۲۵۱ سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آن را بجامی آورد باید تمام شرایط نماز مانند پاك بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرطهای دیگر را داشته باشد.

۱۲۵۲ اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند مثلاً يك سجده از رکعت اول و يك سجده از رکعت دوم فراموش نماید باید بعد از نماز قضای هر دو را با سجده‌های سهوی که برای آنها لازم است بجا آورد و لازم نیست معین کند که قضای کدام يك از آنها است.

۱۲۵۳ اگر يك سجده و تشهد را فراموش کند احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده اول قضا نماید و اگر نداند کدام اول فراموش شده باید احتیاطاً يك سجده و تشهد و بعد يك سجده دیگر بجا آورد یا يك تشهد و يك سجده و بعد يك تشهد دیگر بجا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا نموده است.

۱۲۵۴ اگر به خیال این که اول سجده را فراموش کرده اول قضای آن را بجا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده احتیاط واجب آن است که دوباره سجده را قضا نماید و نیز اگر به خیال این که اول تشهد را فراموش کرده اول قضای آن را بجا آورد و بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده بنا بر احتیاط واجب باید دوباره تشهد را بخواند.

۱۲۵۵ اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیافتد نماز باطل می‌شود مثلاً پشت به قبله نماید باید قضای سجده و تشهد را بجا آورد و نمازش صحیح است.

۱۲۵۶ اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که يك سجده از رکعت آخر را فراموش کرده باید قضای سجده‌ای را که فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن دو سجده سهو بجا آورد چه کاری که نماز را باطل می‌کند کرده باشد یا نه و اگر تشهد رکعت آخر را فراموش کرده باشد باید قضای تشهد را بجا آورد و بعد از آن دو سجده سهو بجا آورد.

۱۲۵۷ اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می‌شود مثل آن که سهواً حرف بزند باید سجده یا تشهد را قضا کند.

۱۲۵۸ اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را به احتیاط واجب باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول بجا آورد اشکال ندارد و باید يك بار سجده سهو نیز بجا آورد.

۱۲۵۹ اگر شك دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه واجب نیست قضا نماید.

۱۳۶۰ اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شك کند که پیش از رکوع رکعت بعد بجا آورده یا نه ، احتیاط واجب آن است که آن را قضا نماید.

۱۳۶۱ کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود باید بعد از نماز سجده یا تشهد را قضا نماید بعد سجده سهو را بجا آورد.

۱۳۶۲ اگر شك دارد که بعد از نماز قضای سجده یا تشهد فراموش شده را بجا آورده یا نه چنانچه وقت نماز نگذشته باید سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر وقت نماز هم گذشته بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهد را قضا نماید.

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

۱۳۶۳ هرگاه چیزی از واجبات نماز را عمدا کم یا زیاد کند اگر چه يك حرف آن باشد نماز باطل است.

۱۳۶۴ اگر به واسطه ندانستن مساله، چیزی از اجزاء نماز را کم یا زیاد کند اگر آن جزء، رکن نباشد نمازش صحیح است اگر جاهل قاصر باشد، و الا به احتیاط واجب نماز باطل است.

۱۳۶۵ اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده باید نماز را به هم بزند و دوباره با وضو یا غسل بخواند، و اگر بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱۳۶۶ اگر بعد از رسیدن به رکوع یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش فراموش کرده نمازش باطل است، و اگر پیش از رسیدن به رکوع یادش بیاید برگردد و دو سجده را بجا آورد و برخیزد و حمد و سوره یا تسبیحات را بخواند و نماز را تمام کند.

۱۳۶۷ اگر پیش از گفتن " السلام علینا " یادش بیاید که دو سجده رکعت آخر را بجا نیاورده باید دو سجده را بجا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

۱۳۶۸ اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که يك رکعت یا بیشتر، از آخر نماز نخوانده، باید مقداری را که فراموش کرده بجا آورد.

۱۳۶۹ اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که يك رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده چنانچه کاری انجام داده که اگر در نماز عمدا یا سهوا اتفاق بیفتد نماز را باطل می کند مثلا پشت به قبله کرده، نمازش باطل است و اگر کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام نداده باید فوراً مقداری که فراموش کرده بجا آورد.

۱۳۷۰ هرگاه بعد از سلام نماز عملی انجام دهد که اگر در نماز عمدا یا سهوا اتفاق بیفتد نماز را باطل می کند مثلا پشت به قبله نماید و است ولی اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند یادش بیاید باید برگردد و دو سجده ای را که فراموش کرده بجا آورد و تشهد و سلام را دوباره بعد از آن بگوید و دو سجده سهو برای سلامی که اول گفته بجا آورد و نمازش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اصل نماز را بعد از آن اعاده نماید.

۱۳۷۱ اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده ، یا پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله بجا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته بجا آورد، یعنی دو رکعت بخواند: شرط اول: آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد.

۱۲۷۲ کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند بنابر این اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد باید نماز را تمام کند.

۱۲۷۳ اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند چه همان روز و شب بخواند برگردد یا غیر آن روز و شب.

۱۲۷۴ اگر سفر، مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخواند و چنانچه شك کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقت دارد باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت ندارد بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند که اگر دو عادل بگویند، یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است نماز را شکسته بخواند.

۱۲۷۵ اگر يك عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته بخواند و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضاى آن را هم بجا آورد.

۱۲۷۶ کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده باید آن را چهار رکعتی بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱۲۷۷ کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست یا شك دارد که هشت فرسخ هست یا نه، چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده اگر چه کمی از راه باقی باشد باید نماز را شکسته بخواند، و اگر بعد از تمام خواندن نماز فهمید سفرش هشت فرسخ بوده بنابر اقوی باید نماز را دوباره شکسته اعاده نماید و در صورتی که وقت گذشته باشد بنابر احتیاط واجب نماز را دوباره قضا نماید.

۱۲۷۸ اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد کند اگر چه روی هم رفته هشت فرسخ شود باید نماز را تمام بخواند.

۱۲۷۹ اگر محلی دو راه داشته باشد يك راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ است به آنجا برود باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست، برود باید تمام بخواند.

۱۲۸۰ اگر شهر دیوار دارد باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند، و اگر دیوار ندارد باید از خانه‌های آخر شهر حساب نماید. شرط دوم: آنکه از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آن جا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواند از آن جا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۸۱ کسی که نمی‌داند سفرش چند فرسخ است مثلاً برای پیدا کردن گمشده‌ای مسافرت می‌کند و نمی‌داند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند باید نماز را تمام بخواند ولی در برگشتن چنانچه تا وطنش یا جایی که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود و برگردد چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۸۲ مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود پس کسی که از شهر بیرون می‌رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند سفر هشت فرسخی برود چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می‌کند باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد باید تمام بخواند.

۱۲۸۳ کسی که قصد هشت فرسخ دارد اگر چه در هر روز مقدار کمی راه برود وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند مسافر است باید نمازش را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۲۸۴ کسی که در سفر به اختیار دیگری است مانند نوکری که با آقای خود مسافرت می‌کند، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۸۵ کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود باید نماز را تمام بخواند.

۱۲۸۶ کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر شك دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود یا نه باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر شك او از این جهت است که احتمال می‌دهد مانعی برای سفر او پیش آید چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا نباشد باید نمازش را شکسته بخواند. شرط سوم: آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد، یا مردد شود، باید نماز را تمام بخواند.

۱۲۸۷ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود چنانچه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز برگردد یا در برگشتن و ماندن مردد باشد، باید نماز را تمام بخواند.

۱۲۸۸ اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۸۹ اگر برای رفتن به محلی حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواند جای دیگری برود، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می‌خواهد برود هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۹۰ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه، و در موقعی که مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند.

۱۲۹۱ اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه، و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و برگردد تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۹۲ اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه، و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود چنانچه باقیمانده سفر او هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواند و برگردد باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می رود هم هشت فرسخ باشد بنا بر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند اگر چه جمع واجب نیست و نماز شکسته است. شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، پس کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند باید نماز را تمام بخواند.

۱۲۹۳ کسی که نمی‌داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می‌گذرد یا نه، یا ده روز در محلی می‌ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

۱۲۹۴ کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند و نیز کسی که مردد است که از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند ولی اگر باقیمانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواند برود و برگردد باید نماز را شکسته بخواند. شرط پنجم: آن که برای کار حرام سفر نکند، و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند. و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آن که برای او ضرر داشته باشد، یا زن بدون اجازه شوهر سفری برود که بر او واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۹۵ سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

۱۲۹۶ کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند اگر چه در سفر، معصیتی انجام دهد مثلا غیبت کند یا شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۲۹۷ اگر مخصوصا برای آن که کار واجبی را ترك کند مسافرت نماید نمازش تمام است پس کسی که بدهکار است اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد مخصوصا برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مخصوصا برای ترك واجب مسافرت نکند باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۲۹۸ اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد نمازش شکسته است ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۲۹۹ کسی که با ظالم مسافرت می‌کند اگر ناچار نباشد و مسافرت او كمك به ظالم باشد باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلا برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است.

۱۳۰۰ اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۰۱ اگر برای لُهو و خوشگذرانی به شکار رود نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و باید روزه نگیرد.

۱۳۰۲ کسی که برای معصیت سفر کرده، موقعی که از سفر برمی‌گردد اگر توبه کرده، باید نماز را شکسته بخواند و اگر توبه نکرده، و چیزی هم که بازگشت را از جزئیت سفر معصیت خارج کند حادث نشده باشد باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۳۰۳ کسی که سفر او سفر معصیت است، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد چنانچه باقیمانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۰۴ کسی که برای معصیت سفر نکرده اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است. شرط ششم: آنکه از صحرانشینهایی نباشد که در بیابانها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمشان پیدا کنند می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند و صحرانشینها در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند.

۱۳۰۵ اگر یکی از صحرانشینها برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند، چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد احتیاطا واجب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۳۰۶ اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد، بنابراین شتردار و راننده و چوپدار و کشتیبان و مانند اینها، اگرچه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند، ولی در سفر اول اگرچه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

۱۳۰۷ کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلا برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلا شوfer، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه دهد و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۰۸ حمله دار یعنی کسی که برای رساندن حاجیها به مکه مسافرت می‌کند چنانچه شغلش مسافرت باشد باید نماز را تمام بخواند، و اگر شغلش مسافرت نباشد، باید شکسته بخواند.

۱۳۰۹ کسی که شغل او حمله داری است و حاجیها را از راه دور به مکه می‌برد، چنانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشد، باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۱۰ کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است، مثل شوferی که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می‌دهد، باید در سفری که مشغول به کارش هست نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۳۱۱ راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، چنانچه اتفاقا سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۱۲ کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند.

۱۳۱۳ کسی که شغلش مسافرت است، اگر در غیر وطن خود ده روز بماند در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، باید نماز را شکسته بخواند چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد یا نداشته باشد.

۱۳۱۴ کسی که شغلش مسافرت است، اگر شك کند که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانده یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۱۵ کسی که در شهرها سیاحت می‌کند و برای خود وطنی اختیار نکرده، باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۱۶ کسی که شغلش مسافرت نیست، اگر مثلا در شهری یا دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های پی در پی می‌کند باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۱۷ کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می‌خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند، اگر شغلش مسافرت نباشد باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند. شرط هشتم: آنکه به حد ترخص برسد، یعنی از وطنش یا جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند، بقدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند، و لازم نیست بقدری دور شود که مناره‌ها و گنبدها را نبیند، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوارها کاملا معلوم نباشد، کافی است.

۱۳۱۸ کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود، ولی دیوار شهر را ببیند یا دیوارها را نبیند و صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواهد در آن جا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۳۱۹ مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند ولی مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند وقتی دیوار آن جا را ببیند و صدای اذان را بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تاخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۳۲۰ هرگاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند کسی که از آن شهر مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود دیوارش از آن جا دیده نمی‌شد باید نماز خود را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد باید ملاحظه معمول را بنماید.

۱۳۲۱ اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آن جا دیده نمی‌شد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۲۲ اگر به قدری دور شود که نداند صدایی را که می‌شنود صدای اذان است یا صدای دیگری، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر بفهمد اذان می‌گویند و کلمات آن را تشخیص ندهد باید تمام بخواند.

۱۳۳۳ اگر به قدری دور شود که اذان خانه‌ها را نشنود ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند بشنود نباید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۳۴ اگر به جایی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند نشنود ولی اذانی را که در جای خیلی بلند می‌گویند بشنود باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۳۵ اگر چشم یا گوش او، یا صدای اذان غیر معمولی باشد در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه‌ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود.

۱۳۳۶ اگر بخواهد در محلی نماز بخواند که شك دارد به حد ترخص، یعنی جایی که اذان را نشنود و دیوار را نبیند رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند، و در موقع برگشتن اگر شك کند که به حد ترخص رسیده یا نه، باید شکسته بخواند، و چون در بعضی موارد اشکال پیدا می‌کند باید آن جا نماز بخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۳۳۷ مسافری که در سفر از وطن خود عبور می‌کند وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۳۸ مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده، تا وقتی در آن جا هست باید نماز را تمام بخواند ولی اگر بخواهد از آن جا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و برگردد وقتی به جایی برسد که دیوار وطن را نبیند و صدای اذان آن را نشنود باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۳۹ محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست چه در آن جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

۱۳۳۰ اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلیش نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگر رود، آن جا وطن او حساب نمی‌شود.

۱۳۳۱ تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمی‌شود مگر آن که بدون قصد ماندن آن قدر بماند که مردم بگویند این جا وطن او است.

۱۳۳۲ کسی که در دو محل زندگی می‌کند مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند، هر دو وطن او است. و اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد اشکال دارد و باید احتیاط مراعات شود.

۱۳۳۳ در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی که ذکر شد در جاهای دیگر اگر قصد اقامه نکند نمازش شکسته است چه ملکی در آن جا داشته باشد یا نداشته باشد و چه در آن جا شش ماه مانده باشد یا نه.

۱۳۳۴ اگر به جایی برسد که وطن او بوده و از آن جا صرف نظر کرده نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

۱۳۳۵ مسافری که قصد دارد ده روز پشت‌سرهم در محلی بماند، یا می‌داند که بدون اختیار ده روز در محلی می‌ماند، در آن محل باید

۱۳۳۶ مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند لازم نیست قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم را داشته باشد و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند باید نماز را تمام بخواند، و همچنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند، باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۳۷ مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی باید نماز را تمام بخواند که تمام ده روز را در يك جا بماند، پس اگر بخواند مثلاً ده روز در نجف و کوفه یا در تهران و شمیران بماند باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۳۸ مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آن جا برود چنانچه جایی که می‌خواهد برود خطه سور بلد اقامت یا از بساتین و مزارع و باغات اطراف آن باشد به مقداری که رفتن به آن جا منافی با صدق و اقامت در بلد نباشد باید در تمام ده روز نماز را تمام بخواند ولی چنانچه بخواند تا کمتر از چهار فرسخ برود چنانچه در نیت او باشد که در بین ده روز فقط يك مرتبه برود و بیش از دو ساعت رفتن و برگشتن را طول ندهد، در همه ده روز باید نمازش را تمام بخواند.

۱۳۳۹ مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جایی بماند مثلاً قصدش این است که اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۴۰ کسی که تصمیم دارد، ده روز در محلی بماند، اگر چه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد در صورتی که مردم به احتمال او اعتنایی نکنند باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۴۱ اگر مسافر بداند که مثلاً ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جایی بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند، باید نماز را شکسته بخواند اگرچه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.

۱۳۴۲ اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن يك نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود که در آن جا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردد شود تا وقتی در آن جا هست باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۴۳ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آن جا منصرف شود چنانچه يك نماز چهار رکعتی خوانده باشد روزه‌اش صحیح است و تا وقتی در آن جا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر يك نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد.

۱۳۴۴ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر از ماندن منصرف شود و شك کند پیش از آن که از قصد ماندن برگردد، يك نماز چهار رکعتی خوانده، یا نه باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

۱۳۴۵ اگر مسافر به نیت این که نماز را شکسته بخواند مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

۱۳۴۶ مسافری که قصد کرده، ده روز در جایی بماند، اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده، باید نماز را دو رکعتی تمام نماید و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند، و اگر مشغول رکعت سوم شده نمازش باطل است، و تا وقتی در آن جا هست باید نماز را شکسته بخواند اگر چه داخل در رکوع رکعت سوم شده باشد.

۱۳۴۷ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند تا وقتی مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

۱۳۴۸ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند باید روزه واجب را بگیرد و می‌تواند روزه مستحبی را هم به جا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

۱۳۴۹ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بخواند به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد به محل اقامه خود، باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۵۰ مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بخواند به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود و ده روز در آن جا بماند باید در رفتن و در جایی که قصد ماندن ده روز کرده، نمازهای خود را تمام بخواند ولی اگر در جایی که می‌خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید موقع رفتن نمازهای خود را شکسته بخواند و چنانچه در آن جا قصد ماندن ده روز کرد، نمازش را تمام بخواند.

۱۳۵۱ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بخواند به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود، چنانچه مردد باشد که به محل اولش برگردد یا نه، یا به کلی از برگشتن به آن جا غافل باشد، یا بخواند برگردد، ولی مردد باشد که ده روز در آن جا بماند یا نه، یا آن که از ده روز ماندن در آن جا و مسافرت از آن جا غافل باشد، باید از وقتی که می‌رود تا برمی‌گردد و بعد از برگشتن نمازهای خود را تمام بخواند.

۱۳۵۲ اگر به خیال این که رفقاییش می‌خواهند ده روز در محلی بمانند قصد کند که ده روز در آن جا بماند و بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده‌اند اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آن جا هست باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۵۳ اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آن جا بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ، در رفتن بقیه راه مردد شود، از وقتی که مردد می‌شود باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۵۴ مسافری که می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند اگر بعد از آن که نه روز یا کمتر در آن جا ماند بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند همین طور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

۱۳۵۵ مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در يك جا بماند، پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بماند، بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

مسائل متفرقه

۱۳۵۶ مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند. ولی اگر بخواند در جایی که اول جزو این مساجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند احتیاط مستحب آن است که شکسته بخواند اگر چه اقوی، صحت تمام است و نیز مسافر می‌تواند در حرم و رواق حضرت سید الشهدا علیه السلام بلکه در مسجد متصل به حرم نماز را تمام بخواند.

۱۳۵۷ کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر در غیر چهار مکانی که در مساله پیش گفته شد عمداً تمام بخواند نمازش باطل است. و نیز اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند باید نماز را دوباره بخواند، و اگر بعد از وقت یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

۱۳۵۸ کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر فراموش کند و بدون توجه و به طور عادت تمام بخواند نمازش باطل است، و نیز اگر حکم مسافر و سفر خود را فراموش کرده باشد در صورتی که وقت داشته باشد نمازش را دوباره بخواند بلکه اگر وقت هم گذشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

۱۳۵۹ مسافری که نمی‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر تمام بخواند نمازش صحیح است.

۱۳۶۰ مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند مثلاً نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند چنانچه تمام بخواند در صورتی که وقت باقی است، باید نماز شکسته بخواند، و اگر وقت گذشته باید شکسته قضا نماید.

۱۳۶۱ مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند اگر به گمان اینکه سفر او کمتر از هشت فرسخ است تمام بخواند وقتی بفهمد که سفرش هشت فرسخ بوده، نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت هم گذشته باید شکسته قضا نماید.

۱۳۶۲ اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند چنانچه در وقت یادش بیاید باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید قضای آن نماز بر او واجب نیست.

۱۳۶۳ کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد در هر صورت نمازش باطل است.

۱۳۶۴ اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است یا لتفت شود که سفر او هشت فرسخ است چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و در صورتی که به مقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۶۵ اگر مسافر بعضی از خصوصیات نماز مسافر را نداند، مثلاً نداند که اگر چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن برگردد باید شکسته بخواند، چنانچه به نیت نماز چهار رکعتی مشغول نماز شود و پیش از رکوع رکعت سوم مساله را بفهمد باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر در رکوع ملتفت شود نمازش باطل است و در صورتی که به مقدار یک رکعت از وقت هم مانده باشد باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۶۶ مسافری که باید نماز را تمام بخواند اگر به واسطه ندانستن مساله به نیت نماز دو رکعتی مشغول نماز شود و در بین نماز مساله را بفهمد باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام شدن نماز دوباره آن نماز را چهار رکعتی بخواند.

۱۳۶۷ مسافری که نماز نخوانده اگر پیش از تمام شدن وقت به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند باید نماز را تمام بخواند و کسی که مسافر نیست اگر در اول وقت نماز نخواند و مسافرت کند در سفر باید نماز را شکسته بخواند.

۱۳۶۸ اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشاء قضا شود باید آن را دو رکعتی قضا نماید اگرچه در غیر سفر بخواند قضا آن را به جا آورد و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود باید چهار رکعتی قضا نماید اگرچه در سفر بخواند آن را قضا نماید.

۱۳۶۹ مستحب است مسافر بعد از هر نمازی که شکسته می‌خواند سی مرتبه بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" و در تعقیب نماز ظهر و عصر و عشا بیشتر سفارش شده است. بلکه بهتر است در تعقیب این سه نماز شصت مرتبه بگوید.

نماز قضا

۱۳۷۰ کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد، اگرچه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه سستی، نماز نخوانده باشد ولی نمازهای یومیه‌ای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده قضا ندارد.

۱۳۷۱ اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید قضای آن را بخواند.

۱۳۷۲ کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.

۱۳۷۳ کسی که نماز قضا دارد می‌تواند نماز مستحبی بخواند.

۱۳۷۴ اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آن را بجا آورد.

۱۳۷۵ قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود مثلاً کسی که يك روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید.

۱۳۷۶ اگر بخواند قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند یا مثلاً بخواند قضای يك نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند لازم نیست آنها را به ترتیب بجا آورد.

۱۳۷۷ اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده کدام يك جلوتر بوده لازم نیست به طوری بخواند که ترتیب حاصل شود و هر يك را می‌تواند مقدم بداند.

۱۳۷۸ اگر کسی که نمازهایی از او قضا شده، می‌داند کدام يك جلوتر قضا شده، احتیاط مستحب آن است که به ترتیب قضا کند و آنچه اول قضا شده اول بخواند و دومی را بعد و همین طور.

۱۳۷۹ اگر برای میتی می‌خواهند نماز قضا بدهند، و می‌دانند آن میت ترتیب قضا شدن را می‌دانسته باز لازم نیست طوری قضا را بجا بیاورند که ترتیب حاصل شود.

۱۳۸۰ اگر برای میتی که در مساله پیش گفته شد بخواهند چند نفر را اجیر کنند که نماز بخوانند لازم نیست برای آنها وقت مرتب معین کنند که با هم شروع نکنند در عمل.

۱۳۸۱ اگر بدانند که میت ترتیب قضا شدن را نمی‌دانسته یا ندانند که می‌دانسته، لازم نیست به ترتیب برای او قضا بجا بیاورند.

۱۳۸۲ در مساله پیش اگر بخواهند چند نفر را برای به جا آوردن نماز میت اجیر کنند لازم نیست وقت معین کنند و می‌توانند همه با هم شروع به قضا کنند.

۱۳۸۳ کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی‌داند مثلا نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است و همچنین اگر شماره آنها را می‌دانسته و فراموش کرده، اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند.

۱۳۸۴ کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد می‌تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده، نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد.

۱۳۸۵ کسی که می‌داند يك نماز چهار رکعتی نخوانده و نمی‌داند نماز ظهر است یا عصر ست یا عشا، اگر يك نماز چهار رکعتی بخواند به نیت قضا نمازی که نخوانده کافی است.

۱۳۸۶ اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و يك نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده، اگرچه لازم نیست نمازهای قضا را پیش از نماز ادا بخواند حتی اگرچه وقت داشته باشد و ترتیب بین نمازهای قضا را هم بداند ولی احتیاط استحبابی آن است که نمازهای قضا مخصوصا نماز قضا همان روز را پیش از نماز ادا بخواند.

۱۳۸۷ تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاهاى خود عاجز باشد دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.

۱۳۸۸ نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو يك نماز را بخوانند مثلا اگر نماز قضاى صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

۱۳۸۹ مستحب است بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهند بلکه مستحب است او را به قضاى نمازها هم وادار نمایند.

نماز قضاى پدر که بر پسر بزرگتر واجب است

۱۳۹۰ اگر پدر نماز و روزه خود را بجا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترك نکرده و می‌توانسته قضا کند بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش بجا آورد یا برای او اجیر بگیرد بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترك کرده باشد واجب است به همین طور عمل کند و نیز روزه‌ای را که در سفر نگرفته اگرچه نمی‌توانسته قضا کند، واجب است که پسر بزرگتر قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد.

۱۳۹۱ اگر پسر بزرگتر شك دارد که پدر نماز و روزه قضا داشته یا نه چیزی بر او واجب نیست.

۱۳۹۲ اگر پسر بزرگتر بداند که پدرش نماز قضا داشته و شك کند که بجا آورده یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

۱۳۹۳ اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است، قضای نماز و روزه پدر بر هیچ کدام از پسرها واجب نیست ولی احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه او را بین خودشان قسمت کنند یا برای انجام آن قرعه بزنند.

۱۳۹۴ اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آنکه اجیر نماز و روزه او را به طور صحیح بجا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست.

۱۳۹۵ اگر پسر بزرگتر بخواهد نماز پدر را بخواند باید به تکلیف خود عمل کند مثلاً قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.

۱۳۹۶ کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد اگر نماز و روزه پدر هم بر او واجب شود هر کدام را اول بجا آورد صحیح است.

۱۳۹۷ اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر نابالغ یا دیوانه باشد، وقتی که بالغ شد یا عاقل گردید باید نماز و روزه پدر را قضا نماید، و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

۱۳۹۸ اگر پسر بزرگتر پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

نماز آیات

۱۴۹۱ نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد به واسطه چهار چیز واجب می‌شود: اول: گرفتن خورشید. دوم: گرفتن ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد. سوم: زلزله، اگر چه کسی هم نترسد. چهارم: رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها در صورتی که بیشتر مردم بترسند، که بنا بر احتیاط واجب باید برای اینها هم نماز آیات بخوانند.

۱۴۹۲ اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد انسان باید برای هر يك از آنها يك نماز آیات بخواند، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود باید دو نماز آیات بخواند.

۱۴۹۳ کسی که چند نماز آیات بر او واجب است اگر همه آنها برای يك چیز بر او واجب شده باشد، مثلاً سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است موقعی که قضای آنها را می‌خواند، لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه آنها باشد و همچنین است اگر چند نماز برای رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها بر او واجب شده باشد ولی اگر برای آفتاب گرفتن و ماه گرفتن و زلزله، یا برای دوتای اینها نمازهایی بر او واجب شده باشد بنا بر احتیاط واجب باید موقع نیت، معین کند، نماز آیاتی را که می‌خواند برای کدام يك آنها است.

۱۴۹۴ چیزهایی که نام آیات برای آنها واجب است در هر شهری اتفاق بیافتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها بقدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود نماز آیات بر آنها هم واجب است.

۱۴۹۵ از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند انسان باید نماز آیات را بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید به قدری تاخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

۱۴۹۶ اگر خواندن نماز آیات را به قدری تاخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند باید نیت ادا و قضا نکند ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند باید نیت قضا نماید.

۱۴۹۷ اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه بیشتر از خواندن يك رکعت باشد ولی انسان نماز را نخواند، تا به اندازه خواندن يك رکعت به آخر وقت آن مانده باشد باید نیت ادا کند بلکه اگر مدت گرفتن آنها به اندازه خواندن يك رکعت هم باشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند و ادا است.

۱۴۹۸ موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است.

۱۴۹۹ اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده باید قضا نماز آیات را بخواند ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.

۱۵۰۰ اگر عده‌ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است چنانچه انسان از گفته آنان یقین پیدا نکند و نماز آیات نخواند و بعد معلوم شود راست گفته‌اند، در صورتی که تمام خورشید یا ماه گرفته باشد باید نماز آیات را بخواند و اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست بگویند خورشید یا ماه گرفته، بعد معلوم شود که عادل بوده‌اند باید نماز آیات را بخواند، بلکه اگر معلوم شود که مقداری از آن گرفته احتیاط واجب آن است که نماز آیات را بخواند.

۱۵۰۱ اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده علمی وقت گرفتن خورشید و ماه را می‌دانند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته، بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند. و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می‌گیرد و فلان مقدار طول می‌کشد، و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، بنا بر احتیاط واجب باید به حرف آنان عمل نماید، مثلاً اگر بگویند آفتاب فلان ساعت شروع به باز شدن می‌کند، احتیاطاً باید نماز را تا آن وقت تاخیر نیندازد.

۱۵۰۲ اگر بفهمد نماز آیاتی را که خوانده باطل بوده، باید دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱۵۰۳ اگر در وقت نماز یومیه نماز آیات هم بر انسان واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد، و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد، باید اول آن را بخواند، و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز یومیه را بخواند.

۱۵۰۴ اگر در بین نماز یومیه بفهمد که وقت نماز آیات است، چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کند، بعد نماز آیات را بخواند، و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد، باید آن را بشکند و اول نماز آیات، بعد نماز یومیه را بجا آورد.

۱۵۰۵ اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است، باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز یومیه شود و بعد از آن که نماز را تمام کرد، پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بخواند.

۱۵۰۶ اگر در حال حیض یا نفاس زن، آفتاب یا ماه بگیرد و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می‌شوند در حال حیض یا نفاس باشد، نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

دستور نماز آیات

۱۵۰۷ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد، و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و يك حمد و يك سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره يك حمد و يك سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه، و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

۱۵۰۸ در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های يك سوره را پنج قسمت کند و يك آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند قسمت دوم همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید، مثلاً به قصد سوره "قل هو الله احد" بسم الله الرحمن الرحيم بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: "قل هو الله احد" دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: "الله الصمد" باز به رکوع رود و بایستد و بگوید: "لم یلد و لم یولد" و برود به رکوع بازهم سر بردارد و بگوید: "و لم یکن له کفوا احد" و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از سجده دوم، تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

۱۵۰۹ اگر در يك رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر يك حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند، مانعی ندارد.

۱۵۱۰ چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است، در نماز آیات هم واجب و مستحب می‌باشد، ولی در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه به قصد امید ثواب بگویند: "الصلاة".

۱۵۱۱ مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید "سمع الله لمن حمده" و نیز پیش از رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید، ولی بعد از رکوع پنجم و دهم، گفتن تکبیر مستحب نیست.

۱۵۱۲ مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر فقط يك قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.

۱۵۱۳ اگر در نماز آیات شك کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

۱۵۱۴ اگر شك کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم، و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است. ولی اگر مثلاً شك کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده، باید رکوعی را که شك دارد بجا آورده یا نه، بجا آورد. و اگر برای رفتن به سجده خم شده، باید به شك خود اعتنا نکند.

۱۵۱۵ هر يك از رکوعهای نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا اشتباهاً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

نماز عید فطر و قربان

۱۵۱۶ نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به ماعت خوانده شود، و در زمان ما که امام علیه السلام غایب است مستحب می‌باشد. و احتیاط واجب آن است که آن را به جماعت نخوانند، ولی به قصد رجاء مانع ندارد. و چنانچه ولی فقیه یا ماذون از طرف او اقامه جماعت نماید، اشکال ندارد.

۱۵۱۷ وقت نماز عید قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر.

۱۵۱۸ مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند و در عید فطر مستحب است بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند بعد از نماز عید را بخوانند.

۱۵۱۹ نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر يك قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیری بگوید و به رکوع رود و دو سجده بجا آورد و برخیزد، و در رکعت دوم چهار مرتبه تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد

۱۵۲۰ در قنوت نماز عید قربان هر دعا و ذکر بخواند کافی است ولی بهتر است این دعا را به قصد امید ثواب بخوانند: "اللهم اهل الكبرياء والعظمة و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوى و المغفرة اسالك بحق هذا اليوم الذى جعلته للمسلمين عيدا و لمحمد صلى الله عليه و آله ذخرا و شرفا و كرامة و مزيدا ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدخلنى فى كل خير ادخلت فيه محمدا و آل محمد و ان تخرجنى من كل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتك عليه و عليهم اللهم انى اسالك خير ما سالك به عبادك الصالحون و اعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون".

۱۵۲۱ مستحب است در نماز عید فطر و قربان قرائت را بلند بخوانند.

۱۵۲۲ نماز عید سوره مخصوصی ندارد، ولی بهتر است که در رکعت اول آن سوره "شمس" سوره و در رکعت دوم سوره "کاشیه" سوره را بخوانند، یا در رکعت اول سوره "سبح اسم" سوره و در رکعت دوم سوره "شمس" را بخوانند.

۱۵۲۳ مستحب است در روز عید فطر قبل از نماز عید به خرما افطار کند، و در عید قربان از گوشت قربانی بعد از نماز قدری بخورد.

۱۵۲۴ مستحب است پیش از نماز عید غسل کند، و دعاهایی که پیش از نماز و بعد از آن در کتابهای دعا ذکر شده به امید ثواب بخواند.

۱۵۲۵ مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دستها را بلند کنند و نماز را بلند بخوانند.

۱۵۲۶ بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر مستحب است این تکبیرها را بگویند: "الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله و الله اكبر الله اكبر و لله الحمد الله اكبر على ما هدانا".

۱۵۲۷ مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است تکبیرهایی را که در مساله پیش گفته شد بگوید و بعد از آن بگوید: "الله اكبر

علی ما رزقنا من بهیمة الانعام و الحمد لله علی ما ابلانا" ولی اگر عید قربان را در منی باشد مستحب است بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی‌حجه است، این تکبیرها را بگوید.

۱۵۲۸ کراحت دارد نماز عید را زیر سقف بخواند.

۱۵۲۹ اگر شك کند در تکبیرهای نماز و قنوت‌های آن، اگر از محل آن تجاوز نکرده است بنا بر اقل بگذارد، و اگر بعد معلوم شود که گفته بوده اشکال ندارد.

۱۵۳۰ اگر قرائت یا تکبیرات یا قنوتها را فراموش کند و بجا نیاورد، نمازش صحیح است.

۱۵۳۱ اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیرة الاحرام را فراموش کند، نمازش باطل می‌شود.

۱۵۳۲ اگر در نماز عید يك سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز آن را رجاء بجا آورد، و اگر کاری کند که برای آن، سجده سهو در نمازهای یومیه لازم است، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز رجاء دو سجده سهو برای آن نماز بنماید.

نفاس

۵۰۸ از وقتی که اولین جزو بچه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است، و زن را در حال نفاس، نفساء می‌گویند.

۵۰۹ خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می‌بیند، نفاس نیست.

۵۱۰ لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته‌ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، خونی که تا ده روز ببیند، خون نفاس است.

۵۱۱ ممکن است خون نفاس يك آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

۵۱۲ هرگاه شك کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، لازم نیست واریسی کند. و خونی که از او خارج می‌شود شرعاً خون نفاس نیست.

۵۱۳ توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است. و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می‌باشد.

۵۱۴ طلاق دادن زنی که در حال نفاس می‌باشد، باطل است، و نزدیکی کردن با او حرام می‌باشد. و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شد، کفاره بدهد.

۵۱۵ وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. و اگر دوباره خون ببیند، چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است. و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد، باید قضا نماید.

۵۱۶ اگر زن از خون نفاس پاك شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاك است، برای عبادت‌های خود غسل کند.

۵۱۷ اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد، به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است. و اگر عادت ندارد، تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می‌باشد. و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت دارد، از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد، بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است، ترك کند.

۵۱۸ زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد، و بعد از آن تا روز دهم می‌تواند عبادت را ترك نماید یا کارهای مستحاضه را انجام دهد. ولی ترك عبادت، يك روز یا دو روز خیلی خوب است. پس اگر از ده روز بگذرد، به روزهای عادتش حیض است و بقیه استحاضه است، و اگر عبادت را ترك کرده باید قضا کند.

۵۱۹ زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زاییدن تا يك ماه یا بیشتر از يك ماه، پی در پی خون ببیند، به اندازه روزهای عادت او نفاس است. و ده روز از خونی که بعد از نفاس می‌بیند، اگر چه در روزهای عادت ماهانه‌اش باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن است، اگر روز دهم ماه زایید و تا يك ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس، و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می‌بیند، استحاضه می‌باشد. و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می‌بیند، در روزهای عادتش باشد حیض است، چه نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد. و اگر در روزهای عادتش نباشد، اگر چه نشانه‌های حیض را داشته باشد، باید آن را استحاضه قرار دهد.

۵۲۰ زنی که در حیض عادت ندارد، اگر بعد از زایمان تا يك ماه یا بیشتر از يك ماه خون ببیند، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است. و خونی که بعد از آن می‌بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض، و گرنه آن هم استحاضه می‌باشد.